

پیشخوان

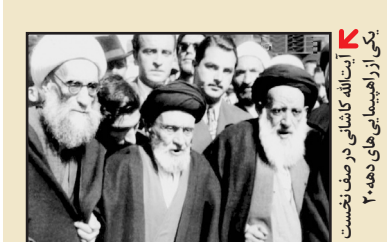
حاشیه‌ای بر اثر تاریخی «عالمان شیعه و صیانت از سرمایه‌های ملی»

تلاشی در تبیین یک رویکرد تاریخی

■ **شاهد توحیدی**

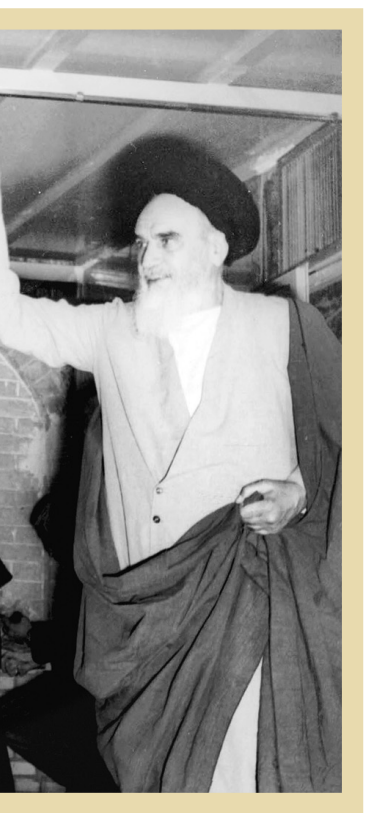


اثری که در معرفی آن سخن می‌رود، تلاش دارد تا با تکیه بر اسناد تاریخی و نیز با زبانی ساده، به بازخوانی نقش عالمان شیعه در حمایت از خوداتکالیی اقتصادی بپردازد. «مرکز پژوهش‌های جوان» که اثر را به زیور طبع آراسته، در دیپاجی‌های بر این کتاب، هدف از تألیف و انتشار آن را این‌گونه تبیین کرده است: «تاکنون به دلایلی، به فعالیت عالمان شیعه در عرصه‌های اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی، کمتر توجه شده است و اطلاعات کمتری در این زمینه وجود دارد اما در دوره هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب در تاریخ معاصر ایران، مدارک درخور توجهی وجود دارد که از نقش مؤثر علمای شیعه در مقابله با این‌ن تهاجم حکایت می‌کند. عالمان شیعه، برخوردار از منزلت اجتماعی بالا در جامعه ایران، بر اساس مبانی و اصول دینی خاص و با تکیه بر سرمایه اجتماعی عظیم توده مردم، از سرمایه‌های ملی ایران حفاظت کرده‌اند. توجه آنان به کارکردهای مثبت و منفی مصرف کالا‌های داخلی و خارجی، عاملی تأثیرگذار بر تضعیف نفوذ نظامی دشمن، افزایش ثروت و سرمایه ملی، ممانعت از خروج نیروی کار ایران و ماندن آن بوده است. آنان در این زمینه وجود دارد اما در دوره هجوم نظامی، ۱۹۱۹ و توثق الدوله و قرارداد نفت ایران و انگلیس، مانع تاراج و از بین رفتن منابع زیرزمینی و روزمینی از جانب بیگانگان شدند. کتاب حاضر، برخلاف برخی تصورات غریب‌گرا، گوشه‌هایی از اقدامات نگاهبانانه عالمان شیعه در جلوگیری از حضور و استیلای استعمارگران و حفاظت از منابع و سرمایه‌های ملی ایران را حکایت می‌کند.اثر حاضر محصول تلاش گروه نظام‌ها و مطالعات انقلاب اسلامی مرکز پژوهش‌های جوان است. این مجموعه، شاخه‌ای از شاخصار پربویار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است



که با گروه‌های علمی «پیشین و اندیشه»، «مطالعات فرهنگی و اجتماعی»، «نظام‌ها و مطالعات انقلاب اسلامی»، «اخلاق و تربیت و روانشناسی»، «سنت‌های حوزوی و آداب طلبگی» و «ادب و هنر» به افق‌های پیش رو و گام‌های پیش رو در عرصه فرهنگ جامعه اندیشیده و آثار مفیدی به ثمر نشانده است. رشد و شکوفاندن بارها و گرایش‌های دینی، معرفی‌الگوهای مطلوب رفتار دینی و پاسخ به نیازها و خواسته‌های جوانان در زمینه‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی از برجسته‌ترین اهداف فرآوری مرکز است تا با رصد شرایط روز جامعه، به صید موضوعات ضروری دست زده، پژوهش‌هایی مفید بیافریند.»

حجت‌الاسلام محمدی ابوطالبی مؤلف این اثر نیز در تبیین اهمیت موضوع مورد تحقیق خویش، در مقدمه‌ای دیگر سراین کتاب آورده است: «علمای شیعه همواره بر اساس وظیفه‌ای که بر عهده دارند و آن، هدایت و رهبری جامعه اسلامی در عصر غیبت در راستای احکام اسلام و موازین شرع است، اقدامات مختلفی انجام داده‌اند. ذنبت عمومی جامعه ما، به ویژه نسل جوان، این است که وظیفه و اقدامات علمی، علمی، هدایت و رهبری جامعه اسلامی در عصر غیبت را عرصه‌های خاص اجتماعی می‌گردد، ولی مردم- بوده‌است-بنابرین‌به‌فعالیت‌های‌علمای‌شیعه در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگ اجتماعی کم‌توجهی شده و این مباحث کمتر بیان شده است. امروز نسل جوان ما نمونه‌های زیادی از اقدامات علما در حفظ موراثت دینی، مقابله با شبهات اعتقادی، مناظرات مذهبی، عقیدتی و... را سراغ دارند اما اگر از نقش علمای شیعه در حفظ اقتصاد ملی یا هویت ملی یا منافع ملی کشور سخن بگوییم، قطعاً اطلاعات کمتری در این زمینه وجود دارد. این در حالی است که چون اسلام دینی جامع است و برای همه عرصه‌های زندگی بشر برنامه دارد، بالطبع عالمان اسلامی که وظیفه تبلیغ دین و حراست از آموزه‌های دینی و اجرای آن در جامعه بر عهده دارند باید در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز فعال باشند. در تاریخ معاصر ایران که دوره هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب به این کشور است، همواره شاهد حضور زیرکانه و مؤثر علمای شیعه در مقابله با این تهاجم بوده‌ایم. یکی از اقدامات علمی شیعه در مواجهه با این تهاجمات، دفاع و حمایت از سرمایه‌های ملی ایران است که آثار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی داشته‌است. در این کتاب به نمونه‌هایی از اقدامات این بزرگواران در حفظ و حراست از سرمایه‌های ملی کشور اشاره خواهیم کرد.»



«**جستارهایی در منش و اندیشه امام خمینی**»

در آئینه روایت و توصیف حجت‌الاسلام والمسلمین محمد تقی فلسفی

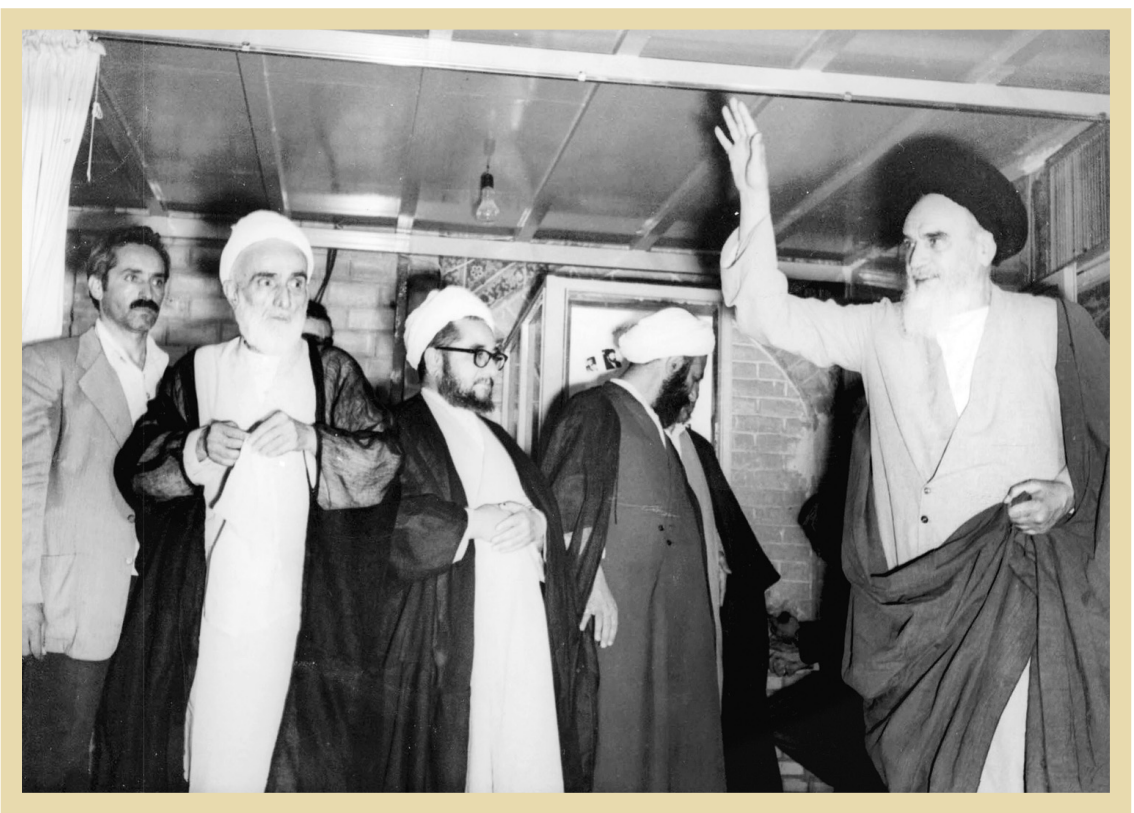
امام خمینی، سکون و قدرتی بسان رود کارون

■ **علی احمدی فراهانی**
روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی گر سالروز ارتحال عالم فرزانه و خطیب یگانه، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدتقی فلسفی است. در باب زندگی و زمانه آن روحانی نامدار، تاکنون و به مناسبت‌های گوناگون، مطالب فراوانی به شما تقدیم داشته‌ایم. اینک در در این مناسبت، بهتر دیدیم که اوصاف رهبر کبیر انقلاب را در آئینه خاطرات او بازخوانی کنیم. امام خمینی نسبت به زنده‌یاد فلسفی، ارادت و احترامی فراوان داشت و او را به القابی چون «زبان گویای اسلام» متصف نمود. سابقه ارتباط و تعامل آن دو نیز دراز بود و مکاتباتی که به ضمیمه خاطرات آن مرحوم منتشر شده، مدت و عمق آن را نشان می‌دهد. هم از این رو، خاطرات فلسفی در توصیف منش و اندیشه امام، مکانتی والا دارد و جای دارد که به‌گونه‌ای ویژه، مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. امید آنکه مفید و مقبول آید.

■ **۷ سال ممنوعیت منبر**

برای حمایت از نهضت امام خمینی

همان‌گونه که اشارت رفت، مرحوم فلسفی را با رهبر کبیر انقلاب، سابقه و مراده‌ای دیرین بود. همین امر، توصیف و شناخت اولیه او از امام خمینی را اهمیتی افزون می‌بخشد. وی از سیره امام در آغازین دیدارها، برداشتی هوشمندانه دارد که گذر زمان و توالی حوادث، آن را تأیید کرده است. فلسفی خود در این باره می‌گوید: «من از همان اوایل آشنایی با حضرت امام، ایمانی قوی و ثابت در او دیدم. به علاوه فهمیدم که او مردی فقیه و مجتهد و آگاه به دقائق احکام اسلام است. از این گذشته، او اراداری عزمی آهنین یافتم. من با بسیاری از علما و بزرگان سر و کار داشتم، بعضی از بزرگان که نمی‌خواهم نام ببرم، گاهی راجع به موضوعی تصمیم می‌گرفتمند، ولی همین که یک نفر و یا چند نفر جمله‌ای برخلاف می‌گفتند، دودل و مردد می‌شدند و فقیه را رها می‌کردند و از باب احتیاط عقب می‌نشستند، ولی امام این طور نبود. من می‌دانستم هدف او خیلی بلند است، ولی نیل به آن، مستلزم پیمودن راهی پرخطر است. او این‌گونه نبود که در راه رسیدن به



✚ خرداد ۱۳۵۸

مدبر سه فلسفیه قم، مرحوم فلسفی در کنار امام خمینی در حاشیه مراسم چهارم روز شهادت استاد مطهری



امام خمینی نسبت به زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی، ارادت و احترامی فراوان داشت و او را به القابی چون «زبان گویای اسلام» متصف نمود. سابقه ارتباط و تعامل آن دو نیز دراز بود و مکاتباتی که به ضمیمه خاطرات آن مرحوم منتشر شده، مدت و عمق آن را نشان می‌دهد

صمیمی حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی بود. از جمله رهاوردهای سفر شهید مطهری به نوفل‌لوشاتو برای دیدار با امام

خمینی، خاطره‌ای است که وی پس از بازگشت، برای مرحوم فلسفی نقل کرده است: «در مدت اقامت اسام در پاریس افراد زیادی از ایران به پاریس رفتند. از جمله آنها مرحوم آقای مطهری بود. ایشان قبل از رفتن، به منزل ما آمد و گفت: شما پیامی برای آقا دارید؟ دو، سه موضوع بود که من به‌طور خصوصی تذکر دادم. بعد ایشان خداحافظی کرد و رفت. وقتی مرحوم مطهری بر گشت، به دیدن ایشان رفتم، آن هم در وقتی که کسی نبود. تقریباً اول شب بود. موضوعاتی را که گفته بودم، ایشان به امام گفته بودند و جواب هم گرفته بودند، ولی دیدم آقای مطهری می‌گوید: آقا من مبهوت هستم، گفتم: چرا؟ گفت: تصمیمی که امام گرفته، با این همه نظامی تا بن دندان مسلح، با آن همه حمایت‌های آمریکا و انگلستان و فرانسه، نتیجه چه خواهد شد؟ آیا واقعا این تصمیم برای ما موفقیت بیش می‌آورد؟ ایشان می‌گفت: به امام گفتم: آقا خطر خیلی مهم است، خودتان را چطور می‌بینید؟ امام در جواب فرمودند: علی‌التحقی پیروزیم! شهید مطهری می‌گفت: یک روحانی غیر از یک کاسب است که این حرف را بزند. دیدم از یک طرف امام خمینی است، عظمت دارد و من نمی‌توانم از ایشان بی‌رسم چرا پیروزیم؟ ولی برسیدم: آیا به خبرر امام عصر شرفیاب شدید و ایشان این حرف را داده‌اند؟ امام نفی و اثبات نکرد و فقط گفت:

بگنیزم، در موارد عادی کمتر صحبت می‌کردند. من همان وقت که امام را می‌دیدم و با بعضی از آقایان دیگر مقایسه می‌کردم، به نظر می‌آمد که بعضی از آقایان عالم هستند، ولی مثل رودخانه‌ای هستند که عمق کم دارند. سر و صدایشان زیاد است، ولی آب خیلی نیست اما امام را که می‌دیدم، مثل رود کارون می‌دیدم که در عین سکوت، آن اندازه قدرت دارد که کشتی‌ها را واژگون کند. به نظر من این تفاوت عظیمی بود که امام با دیگران داشت. بعد هم روشن شد که منشأ این تفاوت، عقل و هوش و درک و قریحه امام بود که در هر موضوعی، برق‌آسا جرقه می‌زد و تصمیم می‌گرفت. فراموش نمی‌کنم موقعی که امام تازه به تهران آمده بودند من مکرر به‌من این اتفاق آحاد صدوقی که از نزد آمده بود و آقای طالقانی، دیگران، در اناسق اندرونی خدمت ایشان بودیم. من عظمت فکر و نظر ایشان را آن روز بیشتر دیدم. همه به خاطر دارند که روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، ساعت ۲ بعد از ظهر، رادیو اعلام کرد از ساعت ۴ بعد از ظهر آمد و رفت در خیابان‌ها به کلی ممنوع است. این خبر مورد شور قرار گرفت. مرحوم آقای طالقانی که خیلی اهل سیاست بود، گفت: به نظر می‌آید که مهم نباشد. گفته است مردم نبایدند بیرون بعضی دیگر هم در اظهار نظر مردد بودند.

من یکی از الهامات الهی در انقلاب اسلامی را این می‌دانم که امام بافلاصحه دستور دادند قلم و اعدت آوردند و اعلامیه نوشتند که: دولت غیرقانونی است، فرمانداری نظامی رسمیت ندارد و اعلامیه‌اش هم بی‌ارزش است. تمام مردم از زن و مرد و بزرگ و کوچک از ساعت ۴ بعد از ظهر به خیابان‌ها بریزند و نقشه خائنانه دولت را از بین ببرند. بعد معلوم شد که اصلاً صدور اعلامیه فرمانداری نظامی به دستور امریکا بوده است تا نظامیان با تانک‌ها و توپ‌ها و مسلسل‌ها داخل خیابان‌ها بیایند. حتی من از بعضی افراد مطلع شدیدم که بنا بوده دو نقطه به‌طور قطع بمباران شوند. یکی منزل امام در دبیرستان علوی ولو هزاران نفر به قتل برسند و دیگر مراکز حساس قم، می‌لای و نامه نقشه آنها را با یک اعلامیه بر هم زد!»

■ **به توب و تا تک اعتنا نکنید، قطعاً پیروزی با ماست!**

استاد شهید آیت‌الله مطهری در زمره دوستان وزین و متشکل از علما و روحانیون تهران، در واقع قصد داشتند ضمن تأیید مشی سیاسی و انقلابی او، به ممنوعیت منبر وی نیز پایان دهند. مرحوم فلسفی، این خاطره را اینگونه روایت کرده است: «وقتی امام خمینی با آن استقبال بهت‌آور و بی‌نظیر به ایران بازگشتند، دو، سه روز بعد از ورود ایشان، من در مدرسه علوی با حضور صد‌ها نفر از علما و روحانیون تهران و همچنین روحانیون و علمای دیگری که از ولایات برای استقبال از امام به تهران آمده بودند، در حضور ایشان، پس از هفت سال سخنرانی کردم. در آنجا سالان بزرگی بود که ملو از جمعیت بود

و همه روی صندلی نشسته بودند. سالن، ایوان بلندی داشت. من هم در کنار سالن روی صندلی نشسته بودم. امام وارد سالن شدند و در آن ایوان سکوماند جای گرفتند. همه به احترام ایشان از روی صندلی بلند شدند. سپس امام روی زمین نشستند و به یکی از افرادی که آنجا بود، فرمودند به فلانی بگویید نزد ایشان بیاید. من هم حرکت

کردم و نزد ایشان بالا رفتم. امام از جا برخاستند و با هم مصافحه کردیم. بعد هم کنار هم نشستیم. همه منتظر بودند امام سخنانی ایراد کنند، ولی ایشان فرمودند خیلی خسته هستم، قبلاً هم یک ساعت صحبت کرده‌ام، آقای فلسفی صحبت می‌کنند. بعد صندلی آوردند و من روی صندلی نشستم و شروع به صحبت کردم. آن ساعت و آن لحظه و سخنرانی در کنار امام را در ست و دقیق به یاد دارم. خیلی‌ها هم خوب به یاد دارند. بین من و امام به اندازه نیم‌متر فاصله بود. همه علما و فضلا منتظر شروع سخنرانی بودند. پس از ذکر خطبه، خطاب به امام عرض کردم: مسافر بزرگوار و محترمی که از سفر می‌آید، علاقه‌مندان وی دسته گل برای او می‌آورند. من هم امروز به احترام شما یک شاخه گل از بوستان اهل بیت(ع) برای تکریم مقام شما آورده‌ام. آن شاخه گل، این حدیث است که امام صادق(ع) می‌فرمایند: تمنو الفتنه ففیها هلاک الجابره و طهاره الارض من الفسقه: تمنای انقلاب داشته باشید که در آن هلاک جباران و پاک شدن زمین از فاسقان است. گفتم: «ای امام، دستور حضرت امام صادق(ع) را شما در این زمان به کار بستید و عمل کردید. مردم را دعوت به انقلاب نمودید، مردم هم اجابت کردند. مقام شما، مرجعیت شما، اجتهاد شما، محبوبیت شما، تصمیم قاطع شما موجب شد که مردم دعوت شما را اجابت کنند و چه خوب اجابت کردند! خدا را سپاس که از آن بدبختی به‌در آمدند و از آن تنگنا خلاص شدند... بعد گفتم: در دوران سیاه گذشته، آن قدر اختناق بود که یک کتابفروش به من می‌گفت در زمان رضاشاه اداره اطلاعات شهرانی ره کتابی را می‌خواست چاپ شود باید می‌دید و روی هر صفحه مهر رو می‌زد تا چاپخانه چاپ کند. او می‌گفت من دیوان حافظ را که بارها چاپ شده بود، به شهربانی بردم تا اجازه چاپ بگیرم. متصدی گفت بروید و یک ماه دیگر بیایید. گفتم آن دیوان بارها چاپ شده است، شما اجازه بدهید که آن را ببرم و چاپ کنم. گفت خیر زودتر از یک ماه نمی‌شود، یک ماه دیگر بیایید. بعد از یک ماه رفتم، دیدم به جز یک صفحه روی سایر صفحات گفت این یک شعر را باید عوض کنی: رضا به داده بده و از جبین غره بگشا

که من بر تو در اختیار نگاهداه است گفتم آقا این شعر متعلق به حافظ است، من چطور آن را عوض کنم؟! فرض که عوض کنم، جای آن چه بگذارم؟! متصدی گفت چون کلمه رضا اعلیحضرت هما یونی رضاشاه کبیر است. آن را بردار و کلمه دیگری جای آن بگذار! مثلاً تقی به داده بده یا تقی به داده بده! با ادای این مطلب، مجلس از خنده غوغا شد. آقایان حضار خیلی خندیدند. امام نیز چنان می‌خندید که دوش‌هایشان می‌لرزید! با این که خنده معمولی امام(ره) را هم کمتر کسی دیده است. گفتم اوضاع چنین بود، ولی بحمدالله با قیام شما و تحقق آن فتنه‌ای که امام صادق(ع) آن را توصیه فرموده بودند، آن بدبختی از میان رفت. پس از سخنان من حضار با صدای غزایی صلوات فرستادند، سپس گفتم با صدای بلندتر و همان طوره که در مجلس دیگر شعار می‌دهید، شعار ملی انقلاب را تکرار کنید! ده‌ها دست با شدت و حدت بالا رفت و همه شعار الله‌اکبر، خمینی رهبر را سر دادند. در آخر هم امام فرمودند: اعلام کنید که منبر آقای فلسفی فتح شده است.»

■ **در عمرم سراغ ندارم که مرجع تقلیدی تا این حد در عمق جان مردم محبوبیت پیدا کند**

و اوسین بخش از گفتار مرحوم فلسفی در ضمن بیان خاطرات خویش از امام، به تحلیل رمز و راز محبوبیت بی‌بدیل آن بزرگوار در حیات و ممات او اختصاص دارد. او مکانات رهبر کبیر انقلاب را مروهون گام زدن بر صراط مستقیم دین می‌داند و بر این باور است که محبوبیت او تا سال‌ها برای هیچ مرجع تقلید و عالمی تکرار نخواهد شد: «من در تمام عمرم سراغ ندارم که مرجع تقلیدی تا این‌سن حد در عمق فکر و جان مردم محبوبیت پیدا کند. در این مورد روایتی از امام صادق(ع) است که سه فقره دعا دارد که در بین ده‌ها بی نظیر است. می‌فرمایند اللهم قننی فی الدین و حبتنی الی المسلمین و اجعل لی لسان صدق فی الاخرین: خدایا! اول مرا فقیه و دین‌شناس قرار ده! دوم محبوبیت مرا در قلوب مسلمین جای ده! سوم، بعد از مرگ ذکر خیر مرا بین مردم پایدار و مستدام نگاه دار! امام خمینی صدقاً این روایت بود: در دین فقیه بود، محبوب مسلمین بود و ذکر خیرش هم بعد از مرگ پایدار ماند. قفاهت و دین‌شناسی آن قدر در وجود امام مشهود بود که این موضوع مورد تأیید تمام علما و مجتهدین و متخصصین فقه و قفاهت بوده و هست. استقبال بهت‌آور مردم از امام، حاکی از محبوبیت عام وی و یادآور اراده پولادین ایشان در سرنگونی رژیم سلطنتی بود که خارجی‌ها، به ویژه امریکایی‌ها آن را به منزله پل استعمار می‌دانستند. بدرقه و تشییع بی‌نظیری هم که در جنازه مطهر ایشان شد، مانند همان استقبال بود و این نشانه محبوبیتی بود که امام در زمان حیات خود داشتند و بعد از رحلت نیز همچنان پایدار ماند. او ایران و ایرانی را از اسارت امریکا آزاد ساخت و بزرگ‌ترین آرزوی این ملت یعنی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی که نه شرقی و نه غربی بود، جامعه عمل پوشاند. رحمه الله علیه و اعلی الله مقامه.»

تاریخ

کفتوگو ۸۸۴۹۸۴۹۹



✚ دهه ۷۰

مرحوم فلسفی در محل مرکز اسناد انقلاب اسلامی در حال بیان خاطرات خویش